

# فرخنده باد پنجاه و پنجمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران!



اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

## ۵۵ سال پیکار حماسی در راه رهایی کارگران و زحمتکشان از بندهای استثمار، برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم

در صفحات ۲ و ۵

# نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۸۹، دوره هشتم  
سال سیزدهم، ۳ مهرماه ۱۳۷۵

## مبارزه ادامه دارد

با فرا رسیدن دهم مهرماه ۱۳۷۵، پنجاه و پنج سال از بنیادگذاری حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، و کهنسال ترین سازمان سیاسی-اجتماعی کشور ما، می گذرد. حزب توده ایران، به عنوان پیشاهنگ جنبش کارگران و زحمتکشان میهن ما و وارث بهترین سنت های انقلابی حزب کمونیست ایران، در طول پنجاه و پنج سال مبارزات پرافتخار خود نقشی بس برجسته و انکارناپذیر در راه رهایی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، زنان، جوانان، و خلق های زیر ستم ایران ایفاء کرده است. حزب توده ایران، از همان آغاز فعالیت

خود، وظایف سیاسی و اجتماعی بسیار سنگین و برمستولیتی را برعهده گرفت که انجام آنها در جامعه ای عقب مانده و سرکوب شده چون کشور ما به هیچوجه کار آسانی نبود. در چنان شرایط دشواری حزب ما می بایست در جهت کمک به بیدار کردن زحمتکشان، و در درجه اول طبقه کارگر، و آشنا کردن آنها به حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود؛ در جهت متشکل کردن پیشاهنگ طبقه کارگر و برقراری پیوندهای محکم میان این پیشاهنگ و تمامی طبقه؛ و در جهت ترویج سوسیالیسم علمی (مارکسیسم-لنینیسم) در سطح جامعه و در میان کارگران و دیگر طبقات تحت استثمار و ستم میهن گام های جدی بردارد.

ادامه در ص ۳



تم آغشته به خون ...  
کوله بارم پر پشت، چوب پرچم در مشت  
با همه خستگی و خونریزی  
با همه درد که می پرچم از آن بر خویش،  
با همه یاسی که صخره است به آن آلوده  
پیش می آیم، می آیم پیش...

## دیداری دیگر با اسطوره های پایداری، مقاومت و مبارزه

«زنده آناند که پیکار می کنند، آنان که جان و نشان از هز می راسخ آکنده است. آنان که از نشیب تند سرنوشتی بلند بالا می روند، آنان که اندیشمند به سوی هدلی عالی راه می سپارند و روز و شب پیوسته در خیال خویش با وظیفه ای مقدس دارند، و با عشقی بزرگ»  
ویکتور هوگو

سالگرد حزب است و بار دیگر به دیدار قهرمانان حزبمان، اسطوره های پایداری و مبارزه می رویم. تاریخ حزب ما، تاریخ پنجاه و پنج ساله مبارزه آگاهانه، بهترین فرزندان این خاک و بوم، تاریخ فداکاری های عظیم و تاریخ گروهی از قهرمانان نامدار خلق است که با فداکردن جان خود راه مبارزه را گشودند و پرچم پرافتخار رزم طبقه کارگر و زحمتکشان را در اهتزاز نگاه داشتند. آنان که جهان بینی و برنامه حزب توده ایران را پذیرفتند، می دانستند که دیر یا زود زندان، شکنجه، اعدام در انتظارشان است و با علم بر این حقیقت گام در کام خطر گذاشتند و آگاهانه قلوب خود را به توفان ها سپردند. زندگی ساده، بی آلابش و سرمدی این قهرمانان، در کنار فداکاری کم نظیر آنان، فصول درخشانی از تاریخ مبارزات رهایی بخش خلق های میهن ما در نبرد علیه استبداد، ارتجاع و

ادامه در ص ۶

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

### برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## رویدادهای ایران



### مدیر مسئول نشریه «کیان» ممنوع الخروج شد

گروه «دیده بان حقوق بشر» در نیویورک طی نامه ای خطاب به محمد یزدی، رییس قوه قضائیه جمهوری اسلامی، مراتب نگرانی خود را نسبت به سرنویشت «رضا کفاش تهرانی»، مدیر مسئول نشریه «کیان» ابراز داشت. در این نامه آمده است که رضا کفاش تهرانی پس از احضار به دادگاه ممنوع الخروج شده است. این گروه در نامه خود یادآور شد که «مجازات» رضا کفاش تهرانی در واقع به دلیل موضع انتقادی او نسبت به نظام جمهوری اسلامی و چاپ مقالات دکتر سروش انجام گرفته است.

### مجازات اعدام برای دارندگان سلاح غیرمجاز

احمد قدیریان، نماینده دادستان کل کشور در امور اسلحه و مهمات، طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد: «بر اساس طرحی که به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد شده است، در مورد افرادی که تا پایان مهلت قانونی عفو مقام ... رهبری سلاح خود را تحویل ندهند، در صورتی که از سلاح استفاده نکرده باشند، به ۶ ماه حبس، و اگر از سلاح استفاده کرده باشند، برحسب نوع استفاده، به حبس از ۳ تا ۶ سال و حتی در مواردی به اعدام محکوم خواهند شد». قدیریان تعداد «سلاح های غیرمجاز» در سطح کشور را یک میلیون قبضه ذکر کرد و گفت تاکنون حدود ۱۵۰ هزار قبضه انواع مختلف سلاح جمع آوری شده است.

### کاخ هایی عظیم تر از کاخ های سلطنتی

محمدحسین نخبه الفقهایی، نماینده لارستان در مجلس شورای اسلامی، در سخنرانی پیش از دستور خود در مجلس گفت: «ما نمی توانیم ادعا کنیم در نظام اسلامی ما همه چیز ایده آل بوده و تقصیر در کار نیست، و این اشکالات از بی تعهدی بعضی ها و بی تخصصی بعضی ها سرچشمه می گیرد. هنوز نظام مالیاتی ما به نفع طبقه ثروتمند و به ضرر مردم فقیر است. امروز کاخ هایی که بعضاً عظیم تر از کاخ های سلطنتی است با پول های بادآورده ای که تضییع حقوق ملت، کلاهبرداری، بورس بازی، فرار از مالیات ها، احتکار و گرانفروشی است، در جای جای ایران، مخصوصاً تهران، ساخته می شود... ثروت مشروع هم حدی دارد. چه اشکالی دارد مجلس قانون مالیات بالا از زمین های مازاد مالکین را تصویب نماید که بیش از ۵ درصد جمعیت را تشکیل نمی دهند. چه اشکال دارد همان طوری که از منازل مسکونی اجاره ای مالیات اخذ می گردد، از منازل خالی مجبور به اجاره منازل خود شوند. تا مالکین منازل خالی مجبور به اجاره منازل خود شوند. چقدر بی عدالتی است که تعزیرات حکومتی همه چیز داخلش باشد مگر گرانفروشی و احتکار در زمین و مسکن. در صورتی که تمام فسادها از گرانی این بخش سرچشمه می گیرد. گرانی زمین و خانه است که تعداد زیادی کاسب های جزء را مجبور به گرانفروشی می نماید... قیمت مسکن ظرف ۲/۵ سال اخیر ۳۰۰ درصد افزایش داشته است. این جهت گیری مستضعف پسند نیست».

### ۴۰۰ هزار معلم فاقد مسکن هستند!

مهندس فدایی، مدیرکل تعاون و تأمین اجتماعی وزارت آموزش و پرورش، در گفت و گویی با روزنامه «سلام» اعلام کرد: «حدود ۴۰ درصد فرهنگیان مسکن ندارند». وی افزود: «اگر فرهنگیان زوجین را یکی حساب کنیم، معلمان با سابقه کمتر از ۵ سال را به حساب نیاوریم و معلمانی که در خانه پدربزرگ زندگی می کنند را کنار بگذاریم، تعداد معلمان بی خانه از ۴۰۰ هزار نفر به ۳۲۰ هزار نفر می رسد».

### انتشار مجدد نشریه «بهن»

به گزارش روابط عمومی هفته نامه «بهن»، بر اساس حکم دادگاه تجدید نظر استان تهران، عطاءالله مهاجرانی، مدیر مسئول این نشریه، از محکومیت دادگاه بدوی مبنی بر محرومیت یکساله از تصدی مسئولیت های مطبوعاتی، مبرا اعلام شد. روابط عمومی نشریه «بهن» ضمن اعلام این خبر، از انتشار مجدد این نشریه در آینده ای نزدیک خبر داد.

### ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد نفت در هفت سال

حجت الله غنیمی فرد، مدیر امور بین المللی شرکت ملی نفت ایران، در مصاحبه ای با خبرنگار ستاد خبری هفته دولت اعلام کرد: «از آغاز نخستین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی کشور [۱۳۶۸] تاکنون، درآمد حاصل از صادرات نفت خام ۹۷ میلیارد دلار و صدور فرآورده های نفتی به بیش از ۳/۵ میلیارد دلار رسید».

### امضای قرارداد تسلیحاتی با چین

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، محمد فروزنده، وزیر دفاع رژیم، در پایان سفر خود به چین اعلام کرد که یک قرارداد تسلیحاتی بین ایران و چین به امضاء رسیده است. وی به جزئیات این قرارداد اشاره ای نکرد ولی اظهار داشت که خرید «سلاح های سبک و سنگین» از جمله موارد این قرارداد است. در این رابطه، نشریه عرب زبان «شرق الاوسط»، چاپ لندن، نیز گزارش داد که مذاکراتی برای امضای یک قرارداد تسلیحاتی ۴/۵ میلیارد دلاری میان دو کشور در جریان است. این روزنامه به نقل از «منابع آگاه» نوشت این قرارداد شامل خرید هواپیما، موشک، سکوی پرتاب راکت، قایق های سریع السیر، کشتی های یدک کش و نفربرهای زرهی توسط ایران، و همچنین کمک های چین به صنایع نظامی ایران برای اجرای طرح های مشترک تولید موشک، هلیکوپتر و توپ، می باشد. «شرق الاوسط» در گزارش خود افزود: ایران بهای جنگ افزارهای خریداری شده را ظرف ۵ سال آینده به صورت نقد یا با تحویل نفت پرداخت خواهد کرد.

## نگاهی به مواضع دبیر کل «خانه کارگر»

قانون مشاهده شده اما اعمال قانون کمتر دیده شده است».

- در مورد نیاز به «اعمال فشار به مراکز قدرت» برای دستیابی به خواسته های کارگران: «خوشبختانه تاکنون نیازی به استفاده از فشار نبوده است!!! ... و تا زمانی که رابطه میان جامعه کارگری و دولت متقابل باشد!!! و هر دو طرف انعطاف داشته باشند!!! نیازی به استفاده از اهرم فشار نخواهد بود!!!».
- در مورد تعداد واحدهای صنفی موجود در سطح کشور: «۱۵۰۰ واحد شورای اسلامی کار، و کمتر از ۱۰۰ انجمن صنفی و ۱۰۰ نمایندگی کارگری در کشور فعالیت دارند و بدین ترتیب ما شعاع کوچکی از حدود ۴ میلیون نفر جامعه کارگری را زیر پوشش داریم و مجموعه کسانی که تشکل پذیر هستند!!! کمتر از یک میلیون نفر از اعضای مستقیم و غیرمستقیم و بخش تعاونی و صنفی هستند... چرا که بسیاری از کارگران یا به اهمیت این نوع تشکل ها پی نبرده اند!!! یا با اندکی مشکل [!] در محیط تشکل، از آن دوری گزیده اند!!!».

قدرت خرید در مقایسه با افزایش قیمت ها، تورم در عرصه زندگی، محرومیت محلات کارگری به علت زیادی جمعیت آن ها مثل شهرک های حاشیه اسلامی شهر، مشکلات خاص کارگری همچون دستمزد، مسکن، دسترسی به کالا با قیمت مناسب، بهداشت و درمان، برخورد بعضی [!] مدیران و کارفرمایان با کارگران، و مسایل مهمی چون مالیات، بازنشستگی پیش از موعد مردان، بازنشستگی زنان، و اشتغال به شکل قراردادهای موقت و دوره ای که باعث سلب امنیت شغلی کارگران شده است و خود اشتغال هم که مسأله مهم و بفرنجی است».

- در مورد «بی توجهی به قانون» و پایمال شدن حق فعالیت های صنفی کارگران: «... عمل به قانون از طرف کارفرمایان عمل مستحبی!!!] محسوب می شود و مراجع قضایی قاطعیت لازم را برای اعمال قانون ندارند. امروزه کارفرمایان پرزورتر از کارگران و تشکل های آنان هستند و اعتنایی به قراردادهای جمعی نمی کنند. اگر از تشکل ها طبق خواسته قانون حمایت می شد، وضع تغییر می کرد. در این چند سال ده ها مورد خلاف

علی اصغر محبوب، دبیرکل «خانه کارگر»، اخیراً طی مصاحبه ای با روزنامه «سلام» به سؤالاتی در رابطه با انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی، انتخابات ریاست جمهوری و مسایل و مشکلات کارگران و تشکل های کارگری و «خانه کارگر» پاسخ گفت. بخش هایی از سخنان او را برای آشنایی خوانندگان با مواضع او نقل می کنیم:

- در توضیح دلیل سازش «خانه کارگر» با جناح «کارگزاران» در انتخابات اخیر: «ما می دانستیم که به تنهایی نمی توانیم به مجلس نماینده بفرستیم. این را در دوره قبلی تجربه کرده بودیم. لذا ما باید برای ورود به مجلس با جریانی که رای می آورد، ائتلاف می کردیم... کارگزاران آمادگی و انعطاف بیشتری برای ائتلاف داشتند و ما با آنان ائتلاف کردیم. حساسیتی که دانشجویان و دانش آموزان در مورد چنین جریان هایی دارند، جامعه کارگری ندارد!!!] و در این مورد کسی از ما سؤال نکرده است... با این حال ما با کسی سرستیز سیاسی نداریم چرا که تشکل ما در وهله اول تشکلاتی صنفی است!!!]...».
- در مورد مشکلات فعلی کارگران: «کمی

## ادامه: مبارزه ادامه دارد ...

حزب می بایست از طریق شرکت فعال در مبارزه سیاسی، و در چارچوب امکانات محدود و واقعیات جامعه ایران، نقاب از چهره دشمنان خلق - امپریالیسم، ارتجاع فئودالی و بورژوازی کمپرادور حاکم - برگیرد و کارگران و زحمتکشان را به ماهیت واقعی آنها آگاه سازد. به عنوان یک وظیفه عاجل، حزب توده ایران می بایست از همان ابتدا ماهیت ضد انسانی فاشیسم را، که در آن زمان در میان لایه های گسترده ای از روشنفکران و برخی از نیروهای ملی کشور ما رسوخ کرده بود، افشا کند و توده های مردم را نسبت به خطری که از سوی آن متوجه آزادی و استقلال خلق های ایران بود آگاه سازد. حزب ما می بایست، یک تنه، ماهیت واقعی امپریالیسم تازه نفس آمریکا را که در ظاهر با چهره ای «آزادخواهانه» اما در عمل با اهداف استثمارگرانه و سرکوبگرانه به حیات سیاسی میهن ما وارد شده بود و بسیاری از نیروهای ملی را نیز به دنبال خود کشیده بود، به توده های مردم بشناساند و آنها را به عرصه مبارزه علیه آن بکشاند. و بالاخره، حزب جوان ما می بایست در دشوارترین شرایط اجتماعی و سیاسی، نیروهای خلق را برای به دست آوردن، گسترش و تحکیم آزادی های دموکراتیک در سطح جامعه، و دستیابی به حقوق حقه مطالباتی خود راهنمایی کند و متشکل سازد.

امروز، پس از گذشت پنجاه و پنج سال، حزب ما می تواند با افتخار و سربلندی اعلام کند که با وجود همه دشواری های غیرقابل تصور که در این مسیر با آنها روبرو شد، و علی رغم برخی شکست ها و اشتباهات که در تاریخ آن ثبت شده است، توانسته است در انجام وظایف سنگینی که برعهده گرفته بود و همچنان برعهده دارد به کامیابی های بسیار چشمگیری دست یابد و صفحات درخشانی را به تاریخ مبارزات قهرمانانه خلق های میهن ما بیفزاید. در تاریخ مبارزات بیش از نیم قرن اخیر مردم میهن ما، کمتر پیروزی و دستاوردی را می توان یافت که حزب توده ایران در آن سهم نداشته و یا زیر هدایت حزب تحصیل نشده باشد.

تنها در فاصله پنج سال پس از تشکیل، حزب توده ایران بخش بزرگی از کارگران ایران، به ویژه کارگران صنعت نفت کشور را در درون یک تشکل سراسری در سطح کشور سازماندهی کرد. حزب توانست اعتصابات و تظاهرات صدهزار نفری کارگران را در سراسر کشور سازماندهی کند؛ و تصویب اولین قانون کار در ایران را، که برای اولین بار ۸ ساعت کار روزانه را به رسمیت می شناخت، به رژیم تحمیل کند.

برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران، این توده ای ها بودند که به یاری دهقانان دردمند و گرسنه ایران شتافتند. حزب توانست در مدت زمان کوتاهی ده ها هزار دهقان زحمتکش را در سراسر کشور در اتحادیه های دهقانی متشکل و متحد سازد و آنها را به دفاع از حقوق خود برانگیزد. اتحادیه های دهقانی زیر رهبری حزب توانستند با مبارزات پیگیری خود بسیاری از تحمیلات مالکان، از جمله «سیورسات» و بیگاری را برای همیشه از میان ببرند و آن را به زیاده دان تاریخ بپارند. بر اثر همین مبارزات پیگیری حزب توده ایران و اتحادیه های دهقانی بود که طبقه حاکمه ایران ناچار شد اصل «۱۵ درصد قوام» را در سال ۱۳۲۵، و اصل «۱۰ درصد دکتر مصدق» را در سال ۱۳۳۱، در جهت کاهش فشار مالکان بر دهقانان به تصویب برساند.

با پیدایش حزب توده ایران، زنان پیشرو کشور ما به حرکت درآمدند و در کالبد حزب توده ایران پیگیریترین مدافع حقوق خود را یافتند. کمی بیش از یک سال پس از بنیادگذاری حزب توده ایران، در تیرماه ۱۳۲۲، «تشکیلات زنان» به وجود آمد که فعالیت خود را حول دو شعار «برابری کامل حقوق زن و مرد» و «بهبود وضع زنان زحمتکش» آغاز نمود. نشریه «بیداری ما»، ارگان «سازمان زنان» که در تمامی طول دوران فعالیت علنی حزب (۱۳۲۷-۱۳۲۰) زیر شعار «ما هم در این خانه حقی داریم!» منتشر می شد، نقشی بسیار مهم در ارتقاء سطح آگاهی و بسیج زنان میهن ما ایفا کرد. در طول بیش از نیم قرن گذشته، حزب توده ایران و «تشکیلات زنان ایران» که بعدها نام «تشکیلات دموکراتیک زنان ایران» را به خود گرفت، در راه رهایی زنان ایران از یوغ ستم جنسی و استثمار شدید اقتصادی پیگیرانه مبارزه کرده اند و به دستاوردهای چشمگیری نایل آمده اند.

«سازمان جوانان توده ایران» نیز که در اول فروردین ماه سال ۱۳۲۲ به وجود آمد، نه فقط نقشی مهم در آگاهی دادن به جوانان میهن ما و دفاع از حقوق اجتماعی آنان برعهده گرفت، بلکه در عرصه مبارزات رهایی بخش مردم ایران نیز سهمی به سزا داشت. ده ها هزار نفر از جوانان ایران، که در گرداب فساد و تباهی ناشی از حاکمیت ۲۰ ساله دیکتاتوری رضاشاه، در غرقاب افکار خرافی ناشی از حاکمیت دیرپای فئودالیسم در ایران، در ورطه اعتیاد و آلودگی های اجتماعی ناشی از یاس و ناامیدی نسبت به آینده خود، و در منجلاب تبلیغات زهرآگین فاشیسم هیتلری دست و پا می زدند، با شروع فعالیت «سازمان جوانان توده ایران» گروه گروه به آن پیوستند و در راه رهایی خود و مردم میهن مبارزه ای جانانه را آغاز نهادند. هم این

جوانان بودند که در تعداد انبوه به روستاها رفتند و در راه رهایی دهقانان از ستم مالکان مبارزه کردند؛ و هم این ها بودند که در مبارزات قهرمانانه توده های مردم ایران برای ملی کردن نفت، یکی از گردان های اصلی را تشکیل می دادند. و بدین ترتیب، حزب توده ایران توانست نسلی از جوانان میهن را با روح آزادی خواهی و میهن دوستی و عشق به مردم تربیت کند؛ روحیه ای که در تمام دوران دیکتاتوری محمدرضا پهلوی خود را در مبارزات انقلابی دانش آموزان و دانشجویان کشور ما متبلور ساخت و نقشی مهم و تعیین کننده در سرنگونی دیکتاتوری پهلوی به دست مردم ایران ایفاء نمود.

حزب در مدت کوتاهی به نیروی اصلی رهبری کننده جنبش ضدفاشیستی در کشور بدل شد. در آن زمان افکار مسموم و گمراه کننده فاشیستی که سال ها توسط مدافعان آن در طبقه حاکمه ایران تبلیغ می شد و در پوششی از دروغ پردازی و عوام فریبی ضدکمونیستی به خورد مردم داده می شد، بخش مهمی از جامعه ایران را مسموم کرده بود. در مبارزه علیه فاشیسم، مبارزان توده ای که تعدادشان در سال های اول هنوز بسیار کم بود، نه تنها زیر تیغ هیأت حاکمه ارتجاعی ایران، بلکه به همان شدت زیر حمله بخشی از نیروهای ملی که افکارشان با زهر تبلیغات فاشیستی مسموم شده بود نیز قرار داشتند و مورد افترا و توهین و حمله و تجاوز قرار می گرفتند. اما حزب توده ایران این مبارزه دشوار و نابرابر را یک تنه با موفقیت به پیش برد. بسیاری از همان روشنفکران و افسران جوانی که در دسته بندی های رنگارنگ فاشیستی عضویت داشتند و حتی در هجوم فاشیست ها علیه حزب توده ایران فعالانه شرکت می کردند، زمانی که حقانیت مبارزه حزب برایشان روشن شد، به صفوف حزب توده ایران پیوستند و پرچم برافراختار آن را تا پای جوخه اعدام به دوش کشیدند.

حزب توده ایران اولین حزبی بود که به مبارزه قاطع علیه سلطه امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم تازه نفس آمریکا، بر میهن ما دست زد و بدین طریق زمینه لازم را برای به قدرت رسیدن دکتر مصدق و ملی شدن صنعت نفت ایران در اسفند ۱۳۲۹ آماده ساخت. این مبارزه نابرابر را نیز حزب ما به تنهایی به پیش برد. در آن زمان، هرچند نیروهای ملی در شناخت از ماهیت غارتگر «استعمار» انگلستان و شرکت نفت جنوب اتفاق نظر داشتند، اما درک آنها از مقوله امپریالیسم به طور عام، و ماهیت واقعی امپریالیسم آمریکا به طور خاص، بسیار محدود بود. آنها، به دلیل عدم شناخت علمی از ماهیت امپریالیسم، بر این تصور بودند که دولت آمریکا «حامی آزادی» خلق های ایران است و امیدوار بودند که این دولت آنها را در مبارزه با «استعمار کهن» انگلستان یاری دهد. در مبارزه با این توهم اشتباه آمیز و خطرناک نیز حزب ما یکه و تنها به میدان آمد و علی رغم خشن ترین حملات کین توزانه امپریالیسم آمریکا و دستیارانش، پرچم مبارزه علیه این پدیده را بر دوش گرفت، مردم ایران را با ماهیت واقعی آن آشنا ساخت، و در سخت ترین و هولناک ترین شرایط سرکوب و اختناق در طول پنجاه و پنج سال گذشته، حتی لحظه ای از مبارزه پیگیر و بی امان خود علیه سلطه امپریالیسم بر میهن ما دست نکشید.

به خاطر همین مبارزات بی امان بود که پس از اجرای کودتای شوم ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، امپریالیسم و عمال داخلی اش لبه اصلی حمله خود را متوجه حزب توده ایران و مبارزان توده ای کردند. به دنبال این کودتا، بیش از ۵۰۰۰ نفر از اعضا و رهبران حزب در سراسر کشور، از جمله اعضای شاخه نظامی مخفی حزب در نیروهای مسلح، دستگیر شدند و موجی از اعدام ها، به ویژه اعدام رفقای شاخه نظامی، آغاز گردید. در این اعدام ها بود که بسیاری از قهرمانان طبقه کارگر ایران و پیگیرترین مبارزان راه رهایی میهن ما به شهادت رسیدند.

دشمنان مردم و طبقه کارگر ایران بر این تصور بودند که قادر خواهند بود با دستیاری به سرکوب و اعدام، حزب توده ایران را از صحنه سیاسی میهن ما و از عرصه مبارزات رهایی بخش مردم ایران خارج سازند. اما این خیال خامی بیش نبود. رهبران زندانی حزب زندان های شاه را به مرکز آموزش سیاسی بسیاری از انقلابیون جوان بدل کردند. در حقیقت، بسیاری از کمونیست های جوانی که بعدها به رهبران برجسته حزب ما و مجموعه جنبش کمونیستی ایران بدل شدند، آموزش سیاسی و ایدئولوژیک خود را از رفقای ما در زندان دریافت کرده بودند. رهبران تبعید شده حزب نیز دست از مبارزه خود نکشیدند. آنها در طول دوران تبعید خود، بزرگترین گنجینه آثار کلاسیک مارکسیسم، و به ویژه آثار لنین را به زبان فارسی ترجمه کردند و در اختیار مبارزان کمونیست قرار دادند. به جرأت می توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق نسل جدید کمونیست های ایران دانش تئوریک و ایدئولوژیک خود را تنها از طریق مطالعه آثار منتشر شده از سوی حزب توده ایران کسب کرده اند. اما این کوشش های حزب تنها به ترجمه و انتشار آثار کلاسیک مارکسیسم - لنینیسم محدود نماند. در طول مدت زندان و تبعید، نویسندگان، مترجمان، و شاعران حزب بسیاری از آثار برجسته علمی، ادبی و فرهنگی جهان و به ویژه آثار نویسندگان و شمرای اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را به فارسی ترجمه کردند و در اختیار توده های مردم ایران قرار دادند. حزب در این فاصله ده ها نویسنده، شاعر و هنرمند برجسته کمونیست را در دامان خود پرورد و به مردم ایران هدیه کرد. و همه این کارها در شرایط زندان و تبعید انجام گرفت. تا زمان پیروزی



## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت سالروز تأسیس حزب ۵۵ سال پیکار حماسی در راه رهایی کارگران و زحمتکشان از بندهای استثمار، برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم

تحمّل هزاران شهید، ده ها هزار سال زندان، شکنجه، در بدری و مهاجرت صحنه های پرشکوهی از استقامت، و پایبندی به اصولیت را به نمایش گذاشتند که در تاریخ معاصر کشور ما کم نظیر است.

حزب توده ایران هنگامی شعار «مبارزه علیه هرگونه استثمار» را به درون جامعه ما برد که هیچ سازمان و گروه سیاسی دیگر حتی کلمه استثمار و امپریالیسم را به زبان نمی آورد. مبارزه حزب توده ایران در شناسایی و معرفی امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا به عنوان دشمن مردم و منافع ملی کشور ما آنچنان در جامعه ما ریشه دواند که علی رغم بیست و پنج سال سرکوب وحشیانه ارگان های سرکوبگر حکومت مزدور شاه، در آستانه انقلاب بهمن ۵۷، شعار «مرگ بر امپریالیسم آمریکا»، شعار حزب توده ایران، به شعار وسیع و همگانی توده های میلیونی مردم بدل شد. حزب توده ایران همچنین مبارزه با فاشیسم و تفکرات فاشیستی - شوونیستی را در جامعه ما، در دهه سالهای ۱۳۲۰، در شرایط بسیار دشواری آغاز کرد و توانست جنبش عظیمی را در درون جامعه در مقابل رشد فاشیسم سازمان دهی کند.

### • در راه اتحاد عمل نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور

در نیم قرن تاریخ مبارزه سیاسی معاصر کشور ما هیچ سازمان و یا حزب سیاسی را نمی توان یافت که این چنین پیگیرانه در راه اتحاد نیروهای ملی، آزادی خواه و مترقی کشور ما تلاش کرده باشد. پیدایش «جبهه آزادی»، «جبهه مؤتلف احزاب آزادی خواه» و «جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری» همه از جمله ثمرات فعالیت حزب ما و از نمونه های موفق همکاری و همیاری نیروهای مترقی و آزادی خواه در مبارزه علیه ارتجاع و استبداد در تاریخ معاصر کشور ما محسوب می شوند. حزب ما امروز نیز همچنان در راه اتحاد نیروهای مترقی و ملی کشور و ایجاد یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری علیه رژیم «ولایت فقیه» مبارزه می کند و موفقیت جنبش آزادی بخش را در گرو ایجاد چنین جبهه ای می بیند.

### • در راه اشاعه اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی و تحول سیاسی جامعه

حزب کمونیست ایران در دوران کوتاه فعالیت خود گام های بلندی در راه نشر اصول مارکسیسم - لنینیسم، یعنی ایدئولوژی و سلاح نبرد طبقه کارگر و زحمتکشان برداشت. حزب توده ایران توانست این وظیفه خطیر تاریخی را ادامه دهد و کاری سترگ را در این عرصه سازمان دهی کند. حزب ما با انتشار هزاران کتاب، جزوه، روزنامه، مجله و نشریه، آنچنان تأثیر شگرفی در جامعه برجای گذاشت، که هیچ یورش مرگبار ارتجاع و استبداد تا به امروز قادر نگشته است این اثر حزب را از جامعه ایران بزاید. ترجمه متون اصلی مارکسیسم - لنینیسم در کنار تحریر، ترجمه و اقتباس صدها اثر پر ارزش فلسفی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی، ادبی و فرهنگی نسل های پی در پی از انقلابیون و انسان های والا و مبارزی را در مکتب حزب توده ایران تربیت کرد و افزون بر این فضای سیاسی و فرهنگی کشور ما را دگرگون نمود.

### • هم میهنان عزیز، رفقا و دوستان حزب!

ما امسال در شرایطی به استقبال پنجاه و پنجمین سالروز تأسیس حزبمان می رویم که میهن ما دوران دشوار و خطرناکی را از سر می گذراند. هفده سال پس از پیروزی انقلاب ملی و مردمی بهمن ۵۷، و امکان تاریخی عظیمی که در پی این پیروزی برای ایجاد تحولات سرنوشت ساز به سمت استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در کشور ما ایجاد شد، با خیانت آشکار سران جمهوری اسلامی، انقلاب بهمن به شکست کشانده شده است و ایران مسیر تخریب و ویرانی اجتماعی - اقتصادی، عقب ماندگی و اسارت در زنجیرهای یک حکومت قرون وسطایی را می پیماید.

هفده سال پس از انقلاب، میلیون ها هموطن ما هنوز در فقر و محرومیت شدید به سر می برند و با تحمل بزرگترین مشقات، دشواری ها، و تحقیرها قادر به تأمین یک زندگی حداقل برای خود نیستند و این در حالی است که گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی در عرض همین مدت از «طلبه های ساده» به مقام ثروتمندان نو کیسه که در کاخ های افسانه ای در میان انبوهی از محافظان مسلح زندگی می کنند ارتقاء یافته اند و در عین حال دایما مردم را به «تقوا» و «پرهیز از امور دنیوی، اسراف» و «روی آوردن به معنویات» فرامی خوانند. این عوام فریبی ها دیگر تأثیر خود را حتی در بخش های وسیعی از نیروهای اجتماعی که رژیم زمانی به آنها برای ادامه خود اتکاء داشت، از دست داده است و رژیم استبدادی «ولایت فقیه» مدتها

با فرارسیدن دهم مهرماه، پنجاه و پنج سال از بنیانگذاری حزب توده ایران، حزب کارگران، حزب توده های رنج و زحمت، حزب زندانیان سیاسی، و حزب مدافعان راستین آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی می گذرد. پنجاه و پنج سال پیش، در پی سقوط دیکتاتوری رضا خان و آزادی زندانیان کمونیست از زندان، حزب توده ایران، به مثابه ادامه دهنده راه و سنن پرافتخار حزب کمونیست ایران پا به عرصه حیات نهاد و به استقبال وظیفه ای حساس و تاریخی شتافت و در طول بیش از نیم قرن مبارزه اسطوره ای فضای سیاسی و اجتماعی کشور ما را دگرگون کرد.

پیدایش حزب توده ایران، ناشی از مقتضیات رشد جامعه ایران، به ویژه رشد طبقه کارگر و جنبش رهایی بخش مردم میهن ما بود. جامعه می طلبید که یک حزب سیاسی مجهز به جهان بینی علمی برای سازماندهی و دفاع از حقوق توده های محروم پدید آید و کار تجهیز سیاسی، سازمانی و هدایت پیکار کارگران و زحمتکشان را برای دست یابی به حقوق پایمال شده شان و رها ساختن ایران از زنجیرهای استثمار و استعمار تدارک ببیند. حزب توده ایران به مثابه یک مکتب بزرگ اجتماعی به شکل و تیور افکار و آموزش مردم زحمتکش و میهن پرست ایران همت گماشت. حزب توده ایران مصدر خدمات برجسته و انکار ناپذیری در تاریخ کشور ماست که حتی مخالفان حزب ما به آن اعتراف دارند:

### • در عرصه دفاع از حقوق کارگران، زحمتکشان و توده های محروم

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی کشور بود که به کار آگاهانه و سازمان یافته در راه تشکیل کارگران و زحمتکشان پرداخت و در مدت کوتاهی بزرگترین تشکل های کارگری - دهقانی کشور ما را که در آن صدها هزار کارگر و دهقان را به مثابه یک نیروی اجتماعی پرتوان و نیرومند متشکل شده بودند سازمان دهی کرد. پیدایش سازمان های معتبر کارگری، از جمله «شورای متحده کارگران و زحمتکشان» و «شورای مؤتلفه مرکزی کارگران» مدیون تلاش، فدکاری و ابتکار کارگران و مبارزان توده ای است. در کنار این مبارزه حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی کشور بود که برنامه مشخص برای تغییر اساسی جامعه در ارتباط با حقوق کارگران و زحمتکشان ارائه داد. حزب توده ایران، در برنامه مصوب نخستین کنگره اش، در ۱۰ مرداد ماه ۱۳۲۳، متعهد شد: در راه تقلیل مدت کار روزانه در تمام کشور به هشت ساعت و پرداخت دستمزد متناسب برای کار اضافی؛ در راه ایجاد بیمه های اجتماعی کارگران؛ در راه به رسمیت شناختن اتحادیه ها، حق اعتصاب و قرار دادهای جمعی؛ در راه تساوی دستمزد کارگران زن و مرد؛ در راه منع کار اطفال خردسال تا چهارده سال، در راه تأسیس وزارت کار، و در راه اصلاحات ارضی بنیادین به نفع دهقانان مبارزه کند.

### • در عرصه دفاع از حقوق زنان، اقلیت های ملی و مذهبی

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی کشور بود که مسأله برابری حقوق زن و مرد را در دستور کار جامعه عقب مانده - نیمه فئودالی آن روز ایران قرار داد و پیگیرانه در راه دست یابی زنان به حقوق اجتماعی، از جمله حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن رژیمید. به ابتکار و کمک توده ای ها تشکل های مستقل «سازمان زنان ایران» و بعداً «تشکیلات دموکراتیک زنان ایران» برای پیش برد امر مبارزه در راه احقاق حقوق زنان تأسیس و خدمات ارزنده ای در این عرصه به جامعه کردند. حزب توده ایران پیگیرانه در راه دفاع از حقوق خلق های ایران و دست یابی آنها به خود مختاری در چارچوب ایران مستقل، آزاد و دموکراتیک پیکار کرده است و بسیاری از اعضای و هواداران حزب ما در این راه دوش به دوش گردان های ملی، در کردستان و آذربایجان جان خود را فدا کردند. حزب توده ایران همواره در راه تساوی حقوق اجتماعی بین اقوام ملت صرف نظر از مذهب، اندیشه، باور و نژادشان مبارزه کرده و می کند.

### • در راه استقرار آزادی، علیه استثمار، امپریالیسم و فاشیسم

مبارزه در راه تحقق حقوق و آزادی های دموکراتیک از جمله مبارزه در راه آزادی احزاب، تشکل های صنفی، آزادی اندیشه و بیان و مطبوعات و نبرد علیه ارتجاع، دیکتاتوری و رژیم های استبدادی، از اساسی ترین ویژگی های مبارزاتی حزب توده ایران در تمامی نیم قرن اخیر بوده است و توده ای ها در این پیکار با

کمیته مرکزی حزب توده ایران، پنجاه و پنجمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را، از صمیم قلب، به همه کارگران، زحمتکشان، اعضا، هواداران و دوستان حزب تبریک می گوید. ما در این خجسته سالروز جشن خلق بار دیگر به خاطره تابناک شهدای توده ای و همه شهدای راه آزادی میهن درود می فرستیم و با آنان و همه ییکارگرانی که در زندان های رژیم ارتجاعی حاکم اسیرند، تجدید عهد می کنیم که تا طلوع آزادی زحمتکشان و رهایی میهن از چنگال استبداد و استثمار به ییکار خود ادامه دهیم.

درودهای آتشین به خاطره تابناک و جاودان شهدای توده ای و همه شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!  
فرخنده باد پنجاه و پنجمین سالروز تأسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و زحمتکشان ایران!

### کمیته مرکزی حزب توده ایران مهرماه ۱۳۷۵

### ادامه مبارزه ادامه دارد...

انقلاب بهمین، حزب توده ایران هزارها شهید به طبقه کارگر ایران تقدیم کرده بود و ده ها هزار سال زندان بر دوش خود داشت.

تنها انقلاب توده ای ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بود که توانست رهبران حزب ما را از سیاهچال های رژیم شاه برهاند. اما، حتی پس از پیروزی انقلاب، حزب توده ایران همچنان حزبی رسماً قانونیت نیافته بود. در حقیقت، کسانی که در رأس دولت موقت پس از انقلاب قرار گرفتند، نخست از صدور اجازه بازگشت به میهن برای رهبران تبعیدی حزب ما سر باز زدند و «توضیح» آنها این بود که «قانون سیاه» سال ۱۳۱۰ هنوز ملغی نشده است! تنها با تکیه بر نیرو و روحیه انقلابی توده های مردم بود که رهبران حزب ما توانستند به میهن خود بازگردند و فعالیت سیاسی خود را از سر گیرند.

در مدت زمان کوتاه فعالیت علنی خود در دوران پس از انقلاب، حزب توده ایران، علی رغم برخی اشتباهات که در روند مبارزه مرتکب شد، اثرات عمیقی بر انقلاب ایران گذاشت. رهبران تبعیدی حزب که به کشور بازگشته بودند همراه با رهبران آزاد شده از زندان توانستند در مدت زمان کمتر از دو سال، حزب توده ایران را از یک سازمان عملاً ناموجود در داخل کشور به حزبی نیرومند متشکل از دهها هزار کمونیست بدل کنند. تنها کمتر از شش ماه پس از پیروزی انقلاب، در روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ (اول ماه مه ۱۹۷۹)، ۲۶ سندیکا از حدود ۵۰ سندیکای کارگری تشکیل شده پس از انقلاب، پس از ده ها سال وقفه، روز جهانی کارگر را زیر پرچم حزب توده ایران جشن گرفتند. حزب نقشی تعیین کننده در فرموله کردن و تصویب مواد مترقی قانون اساسی جدید، به ویژه مواد مربوط به ساختار اقتصادی جامعه، بازی کرد. حزب مبارزه کارگران برای تصویب یک قانون کار عادلانه را هدایت کرد. حزب مبارزه در راه تصویب رساندن و اجرای یک قانون اصلاحات ارضی به نفع میلیون ها دهقان فقیر را رهبری کرد. حزب مبارزه پیگیری را علیه دشمنان داخلی و خارجی انقلاب، به ویژه علیه امپریالیسم آمریکا، به پیش برد. حزب مبارزه ایدئولوژیک شدیدی را علیه کمونیسم ستیزی و دشمنان سوسیالیسم و کشور شوراها در سطح جامعه به پیش برد و علیه تبدیل جنگ ایران و عراق به یک جنگ فرسایشی، که از نظر حزب توده ایران تنها می توانست به نفع قدرت های امپریالیستی باشد، جانانه مبارزه کرد.

این مبارزات حزب توده ایران با چنان استقبالی از سوی توده های مردم روبرو شد که تنها سه سال پس از پیروزی انقلاب، در سال ۱۳۶۲، انستیتوی تحقیقاتی «بروکینز» وابسته به سازمان «سیا»، در کتاب سالانه «راهنمای منطقه ای جنبش جهانی کمونیستی»، گزارش داد که نیروی حزب توده ایران به حد دوران پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ رسیده است! و البته، این چیزی نبود که دشمنان داخلی و خارجی طبقه کارگر ایران بتوانند آن را تحمل کنند.

این وحشت از نیروی رشدیابنده حزب توده ایران بود که سازمان های اطلاعاتی آمریکا و انگلستان و عوامل داخلی آنها را، که هنوز در نهادهای سیاسی و امنیتی دولت ایران لانه داشتند، بر آن داشت که خونین ترین و بی سابقه ترین حمله تاریخی را به حزب توده ایران سازمان دهند. در دو یورش جداگانه که در اواخر سال ۱۳۶۱ و اوایل ۱۳۶۲ صورت گرفت، بیش از ۱۰,۰۰۰ نفر از اعضای حزب توده ایران در سراسر کشور، و اکثریت قریب به اتفاق اعضای رهبری حزب در هیأت سیاسی و کمیته مرکزی دستگیر شدند. موج تکان دهنده ای از شکنجه و اعدام آغاز شد. و بار دیگر، رفقای نظامی ما در صف اول اعدام شدگان قرار گرفتند. اغلب این قهرمانان، که به سمبل های مقاومت در زندان بدل شدند، در طول محاکمات محرمانه خود شجاعانه از ایدئولوژی و ارزشان دفاع کردند.

ادامه در ص ۶

است که از نظر اکثریت قاطع مردم کشور ما مشروعیتی ندارد، و تنها با اتکاء به سرکوب وحشیانه، شکنجه، و کشتار وسیع دگراندیشان و خاموش کردن هرگونه صدای مخالفتی به حیات خود ادامه می دهد. اگر علی رغم نارضایتی وسیع توده ها، اوج گیری بحران اجتماعی - اقتصادی و تشدید درگیری ها و جنگ قدرت در درون حاکمیت میان دو گروه ارتجاعی و وابسته به کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری بوروکراتیک ایران، هنوز رژیم پارتی پارتی مانده است، علل آن را باید در نبود یک جنبش وسیع و سازمان یافته توده ای و عدم شکل گیری یک آلترناتیو واحد ملی و دموکراتیک ارزیابی کرد. حزب توده ایران مدت ها است که با ارزیابی شرایط کشور، به این نتیجه رسیده است که تشکیل یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری با هدف طرد و پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه» نخستین گام ضرور در راه ایجاد جنبشی وسیع و فراگیر است که بتواند بر مشکلات کنونی غلبه کند و راه تحولات آینده را بگشاید.

### رفقا، هواداران و دوستان حزب

پنجاه و پنج سال از تاریخ بر فراز و نشیب حزب توده ای مان می گذرد. این تاریخ، تاریخ نبرد اسطوره ای و مجاهدات پاک و بی آلایش هزاران انسان والا است که بدون کوچکترین چشمداشتی گام در این راه پر مخاطره گذاشتند و آنگاه که لازم بود از جان خود نیز گذشتند. تاریخ معاصر ایران را بدون تاریخ و مبارزات حزب توده ایران نمی توان منصفانه ارزیابی کرد و تاریخ حزب توده ایران را نیز نمی توان بدون درک زیر و بم و پیچیدگی های تاریخ معاصر کشور ما شناخت. این در هم تنیدگی و تأثیر متقابل خود بهترین گواه این حقیقت است که حزب توده ایران، برخاسته از درون جامعه ما و بخش جدایی ناپذیری از مبارزات رهایی بخش کشور ما در نیم قرن اخیر بوده است. از این رو است که علی رغم یورش های متعدد ارتجاع، استبداد و امپریالیسم پرچم ییکار حزب ما همچنان در اهتزاز است و توده ای ها به مبارزه خود، علی رغم همه دشواری ها، ادامه می دهند. ما در شرایطی به استقبال پنجاه و پنجمین سالگرد تأسیس حزبمان می رویم که سیزده سال از یورش سبانه رژیم حاکم به حزب، دستگیری، شکنجه و اعدام صدها نفر از رفقای ما می گذرد. سران رژیم جمهوری اسلامی خوب می دانستند که برای قربانی کردن انقلاب نخست می بایست حزب توده ایران را از میان برداشت. برای پی بردن به اهمیت این موضوع برای ارتجاع و امپریالیسم کافی است اشاره کنیم که برای سازمان دهی یورش به حزب توده ایران رژیم جمهوری اسلامی از همکاری و یاری نزدیک سازمان های امنیت و جاسوسی اسرائیل، سیا، انگلیس، پاکستان و ترکیه بهرمند شد. اهمیت سرکوب حزب توده ایران آنچنان بود که موسوی، نخست وزیر وقت خمینی، یورش، سرکوب و قتل عام سفاکانه توده ای ها، از جمله بخشی از کارآمدترین افسران و فرماندهان نیروهای مسلح را مهم تر از پیروزی در جبهه های جنگ ایران و عراق اعلام کرد. هدف یورش های بی در پی ارتجاع کندن ریشه های حزب توده ایران از کشور، بی اعتبار کردن مبارزه، تاریخ و برنامه حزب ما برای ایجاد تغییرات بنیادین به نفع کارگران، توده های رنج و زحمت و اکثریت جامعه بوده است. رژیم جمهوری اسلامی با درس گیری از تجربیات رژیم شاه، سرمایه گذاری هنگفتی برای نابودی حزب ما کرد. از نمایشات تلویزیونی «اعترافات» برخی از رهبران وقت حزب، تا انتشار کتاب، «خاطره نویسی»، تلاش برای افشاج حزب از درون، و حزب سازی همه بخش های گوناگونی از تلاش های رژیم برای نابودی حزب ما بوده است که تا به امروز به همت ییکار خستگی ناپذیر توده ای ها در درون و بیرون از کشور ناکام مانده است. افزون بر این توطئه ها، توده ای ها در این دهه اخیر، می بایست توفان ها و گردبادهای مهیب بین المللی فروپاشی اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم در اروپای شرقی را پشت سر بگذارند و استوار و پا برجا به مبارزه خود ادامه دهند. کم نبودند احزاب و سازمان هایی که در این گردبادها، دست از هویت و برنامه خود شستند و مبارزه را پایان یافته و حزب ما را به خاطر پایبندی به اصول خود، به خاطر دفاع خدشه ناپذیر از جهان بینی، مارکسیسم - لنینیسم کهنه گرا و «ارتدکس» خواندند. حزب توده ایران علی رغم همه مصایب و دشواری ها همچنان پرچم رزم طبقه کارگر و زحمتکشان را به دوش می کشد و تا پیروزی این رسالت تاریخی ییکار و رزم توده ای ها همچنان ادامه خواهد یافت.

رفقا! ادامه این مبارزه و ییکار بدون استقامت و پایداری شما اعضا، هواداران و یاری دوستان حزب ممکن نبود و نیست. ماهمچنان وظیفه ای مهم و تاریخی پیش روی خود داریم. پرچم پر افتخار ییکار حیدر عموغلی ها، ارانی ها، روزبه ها، وارطان ها، سیامک ها، کیوان ها، تیزابی ها، حکمت جوها، افضلی ها، مهرگان ها، کی منش ها، سیمین فردین ها و هزاران رزمنده به خون کشیده شده دیگر که عاشقانه و صادقانه در راه بهروزی خلق جان باختند امروز بر دوش توده ای های رزمند، پیروان این دلاوران است. در اهتزاز نگاه داشتن این پرچم و پیش بردن این مبارزه نیازمند کار خستگی ناپذیر، با انضباط هشیارانه همراه با حفظ وحدت آهنین و یکپارچگی صفوف حزبمان است. ما توده ای ها همواره با خوشبینی تاریخی به آینده و فردا نگریم و اطمینان داریم که نبرد خلق و توده های محروم برای پایان دادن به دیکتاتوری، و برای دست یابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی سرانجام پیروز خواهد شد. این حکم تاریخ است که تا به امروز هیچ رژیم استبدادی و ضد مردمی را از آن گریزی نبوده است.

## ادامه: مبارزه ادامه دارد ...

به فاصله سه ماه پس از دستگیری ها، و در حقیقت در روز اول ماه مه ۱۹۸۳ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲)، برخی از رهبران دستگیر شده حزب را به شبکه تلویزیون سراسری آوردند تا به جرم «جاسوسی برای اتحاد شوروی» که به آنها وارد شده بود «اعتراف» کنند. اما، علی رغم شوک اولیه ای که ایجاد شد، اکثریت مردم ایران هیچگاه این «اقرار»ها را باور نکردند. در حقیقت، این «اقرار»ها چنان نتیجه معکوسی داد که رفسنجانی، رئیس وقت مجلس، مجبور شد تا طی یک سخنرانی علنی این اتهام همگانی را که رژیم با استفاده از شکنجه و دارو این رفتار را وادار به اقرار کرده است، رد کند. بعضی از این رفتارها بعدها در صحبت با نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد گفتند که زیر شکنجه شدید وادار به چنین «اقرار»هایی شده اند. به دنبال این جنایت بزرگ، رژیم در سال ۱۳۶۷ به جنایت بسیار مهیب تری دست زد. در پاییز این سال، ظرف حدود یک ماه، دهها نفر از رهبران و اعضای حزب توده ایران، به جز تعداد انگشت شماری از اعضای هیأت سیاسی و کمیته مرکزی حزب، در زندان اعدام شدند. این کشتار، که به نام «فاجعه ملی» شناخته شد، نه تنها اعضای در بند حزب توده ایران، بلکه صدها نفر از انقلابیون زندانی متعلق به دیگر سازمانهای چپ و کارگری، و از جمله بسیاری از رهبران جنبش سندیکایی را دربر می گرفت. آنچه انگیزه این کشتار شد، وحشت رژیم از خیزش مجدد جنبش توده ای پس از شکست در جنگ با عراق بود. این کشتار در عین حال چراغ سبزی به غرب بود که طی آن رژیم آذگگی خود را برای سرکوب طبقه کارگر و سازمان های سیاسی آن در عوض پذیرفته شدن به دامان امپریالیسم اعلام کرد. در حقیقت، درست پس از این کشتار جنایتکارانه بود که غرب، و به ویژه امپریالیسم آمریکایی از ظهور یک جناح به اصطلاح «میانه رو» در دولت جمهوری اسلامی سخن گفت؛ جناحی که در افتتاح «ایران - کنترا» به عنوان شریک «ریگان» عمل کرد و اکنون نیز مشغول اجرای دستورات صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سرمایه انحصاری بین المللی است؛ جناحی که اکنون مسؤولیت به پیش بردن همان سیاست های ضد مردمی، ضد کارگری و ضد کمونیستی ارتجاعیونی مانند یلتسین را در ایران برعهده دارد.

بدین ترتیب است که حزب توده ایران امروز همچنان در سنگر مبارزه برای رهایی میهن از یوغ استبداد، دیکتاتوری و سلطه امپریالیسم در کنار مردم ایران ایستاده است - زخمی و خون آلود، اما سربلند از گذشته انقلابی و مصمم در مبارزه رزمجویانه امروز. در تمامی طول ۵۵ سال گذشته، دشمنان سوسیالیسم، طبقه کارگر، و مردم ایران حزب توده ایران را مکرراً مورد حمله قرار دادند، اعضا و رهبران حزب را شکنجه کردند، به زندان انداختند و به جوخه اعدام سپردند. اما، هیچگاه نتوانستند حزب ما را از مبارزه بی امان در دفاع از منافع طبقه کارگر و مردم زحمتکش و تحت ستم ایران، در دفاع از جنبش رهایی بخش خلق های ایران، در دفاع از مارکسیسم - لنینیسم، انقلاب اکتبر، سوسیالیسم و کمونیسم بازدارند. امروز نیز، علی رغم عقبگرد عظیم سوسیالیسم در سطح جهان، حزب ما همچنان بر ادامه مبارزه خود برای دستیابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی برای مردم ایران، و پیروزی نهایی طبقه کارگر و سوسیالیسم پای می فشرد، جدا از اینکه برای ادامه این مبارزه، در آینده ناچار به پرداخت چه بهای سنگین تری باشد.

## ادامه: آغاز سال تحصیلی ...

### • روند طبقاتی شدن بیش از پیش آموزش

ادامه سیاست های مخرب و ضد ملی رژیم منجر به تشدید کمبودها در تمامی عرصه ها یعنی کمبود مدارس، معلم و کلاس های درس شده است. بر اساس آمار رسمی منعکس شده در روزنامه های کشور، در حالی که در برنامه اول سهم آموزش و پرورش ۱۹ درصد از کل بودجه کشور را تشکیل می داد، این بودجه اکنون به حد ۱۱/۲ درصد تنزل یافته است و این در حالی است که تعداد دانش آموزان کشور به سرعت روبه گسترش است. یکی از بزرگترین معضلات کنونی آموزش و پرورش در کشور، کمبود وحشتناک فضاهای آموزشی است. در سال تحصیلی کنونی هجده میلیون و سیصد هزار دانش آموز در کل کشور به مدارس می روند که از این تعداد ۹/۰۰۰/۸۰۰ نفر در مدارس ابتدایی، ۴/۷۵۰/۰۰۰ نفر در مدارس راهنمایی، بیش از دو میلیون نفر در مدارس متوسطه و نزدیک به یک میلیون و ششصد هزار نفر در مدارس شبانه، بزرگسالان و غیره تحصیل می کنند. بر اساس گزارش های رسمی خود رژیم در سال گذشته تنها در ارتباط با دوره ابتدایی نیاز به ۳۳۶/۰۵۵ کلاس درس بود. که نشان دهنده عمق بحران نظام آموزشی کشور در این عرصه است. افزون بر این کمبودها، بسیاری از مدارس به دلیل عدم وجود بودجه کافی و توجه به نگهداریشان به مخروبه بدل شده اند و در برخی مدارس نیز کلاس ها در اتاق های نیمه ساخته، گاه بدون سقف و برخی اوقات در فضای باز برگزار می شود. به عنوان نمونه مسوول آموزش و پرورش شهرستان کهنوج در مصاحبه ای اعلام کرد که ۷۰ درصد کلاس های درس این شهرستان در زیر سایه درختان و در داخل چادر برگزار می شود. در راستای سیاست های تأمین منافع کلان سرمایه داری کشور، رژیم از سال ۱۳۶۸، سیاست ایجاد «مدارس غیر انتفاعی» را به منظور طبقاتی کردن بیش از پیش سیستم آموزشی کشور آغاز کرد. بر اساس گزارش معاون اداره کل مدارس غیر انتفاعی، اعتبارات دولتی مدارس غیر انتفاعی در سال های اخیر رشد چشمگیری داشته است و به عنوان نمونه بودجه امسال نسبت به سال گذشته ۶۰ درصد افزایش داشته است. بر اساس آخرین برآوردها هم اکنون حدود ۲۰۰۰ مدرسه غیر انتفاعی در سراسر کشور وجود دارد که ۲ درصد از دانش آموزان کشور را زیر

## ادامه: دیداری دیگر با ....

منصوری بود که قلب خود را به جوخه اعدام نشان می داد و می گفت «دژخیم به اینجا شلیک کن» و این فریدون ابراهیمی فرزند برومند خلق بود که در زندان فریاد می زد: «اینده از آن کسانی است که عرق ریزان کار می کنند، کسانی که دست هایشان از شدت کار بیسته بسته است.» و در پای چوبه دار به دژخیمان فرمان می داد: «طناب را به گردنم ببندازید.» وقتی کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد پیروز شد، اولین کسی را که به جوخه اعدام سپردند، نای اوشه بود که با چشمان باز و بالیند به استقبال مرگ رفت و پس از او گروهی از کارآمدترین افسران ارتش در مقابل جوخه های آتش قرار گرفتند. هنوز فریاد سرگرد وزیربان در پای چوبه اعدام را می توان شنید که می گفت: «چشمانم را بنندید، تا لرش دستانت دژخیم را ببینم.» و این خسرو روزبه بود که بیدادگاه شاهنشاهی را به محاکمه رژیم کودتا بدل کرد و در سحرگاه اعدامش حتی اجازه فرمان شلیک را به دژخیمان شاه نداد. و هنوز صدای خرد شدن بدن های قهرمانانی چون وارطان و کوچک شوستری از زندان ها به گوش می رسد که علی رغم روزها شکنجه های وحشیانه در چشم مرگ نگر بستند و آنگاه که جلا با منته برقی بالای سرشان آمد با تمام قوا فریاد زدند «زنده باد

پوشش خود دارد. مدارس غیر انتفاعی در دو سال گذشته رقمی معادل ۶۷۴ میلیارد ریال از بودجه دولت را به خود اختصاص داده اند و این در شرایطی است که در همین دوره به عنوان نمونه برای کمک به هزینه تحصیلی دانشجویان محروم و کسانی که توان تأمین مخارج خود را ندارند که نزدیک به ۸۰ درصد دانشجویان را شامل می شود، تنها ۱۰ میلیارد ریال بودجه اختصاص داده شده است. این مقایسه گویا، ابعاد سیاست های طبقاتی رژیم علیه اقشار محروم جامعه را به خوبی نشان می دهد. به عبارت دیگر در حالی که به ۳۶۰/۰۰۰ دانش آموز طبقات مرفه ۳۷۰ میلیارد ریال بودجه تخصیص داده می شود، ۸۰ درصد از دانشجویان کشور، یعنی ۸۰۰/۰۰۰ نفر از طبقات محروم و فقیر جامعه تنها ۱۰ میلیارد ریال کمک هزینه تحصیلی دریافت می کنند... نشریه ایران در شماره ۲۷ تیرماه ۱۳۷۵ خود ضمن گزارشی پیرامون ترکیب و نوع دانش آموزان مدارس غیر انتفاعی، از جمله نوشت: «در بررسی میان ۱۴۲ دانش آموز یکی از مدارس غیر انتفاعی منطقه ۳ تهران، مشخص شد شغل والدین آنها به این ترتیب است: ۶۰ درصد شغل آزاد، ۲۱ درصد کارشناس عال رتبه دولتی، ۱۲ درصد مهندس، پزشک و مدیر و ۷ درصد شخصیت های سیاسی، کارمندان ارشد و نظامیان عالی رتبه...» در همین گزارش آمده است که هزینه ثبت نام در چنین مدرسه ای ۲۰۰ هزار تومان در سال است... دکتر شهلا اعزازی جامعه شناس و محقق امور آموزشی می گوید: «تنها فرزندان خانواده های مرفه قادر به تحصیل در این مدارس هستند». در حالی که در شمال شهر و مناطق مرفه خانواده های ثروتمند و سرمایه دار با شهریه های چند صد هزار تومانی فرزندان خود را در مدارس غیر انتفاعی ثبت نام می کنند، در جنوب شهر، در حالی که چند روزی از شروع آغاز تحصیلی می گذرد، هنوز بسیاری از خانواده ها نتوانسته اند فرزندانشان را به مدرسه بفرستند. شرایط ناهنجار و روند روز افزون طبقاتی شدن آموزش در رژیم «ولایت فقیه» را می توان از زبان مادر دردمندی که می گوید: «۴ فرزندم محصل دارم و هنوز نتوانسته ام آنها را ثبت نام کنم چون نمی توانم از پس هزینه اش برایم»، به راحتی درک کرد. ادامه سیاست های فاجعه بار رژیم چهل و تاریک اندیشی بی شک ضربات مهلکی بر نظام آموزشی کشور و نسل جوان میهن ما وارد آورده است که اثرات آن سال های درازی در جامعه ما باقی خواهد ماند.

ایران، زنده باد حزب توده ایران» و هنوز خون این شهیدان بر دیوارهای زندان خشک نشده بود که رفیق حکمت جو خود را در شکنجه گاه یافت و با همان سربلندی از آن بیرون آمد. و هنوز خلق در سوگ پرویز بود که هوشنگ تیزابی برای آخرین بار به شکنجه گاه بردند. «دژخیم گفت: کله بوک و تیزابی در جوابش گفت: دلم برایت می سوزد فلک زده - مرا بکش و خودت را خلاص کن...» و هنوز صدای گلوله هایی که رحیم و توجرج را در خیابان تیرباران کرد در فضا طنین افکن است. نه این قافله را سر باز ایستادن نیست و کاروان بزرگ شهدای توده ای به راه پرافتخار خود ادامه می دهد. مهرگان در اوین با خون می نویسد «راه همان است که من رفته» و قهرمانانی چون: کی منش ها، هوشنگ ناظمی ها (امیر نیک آئین)، سیمین فریدنی ها، حجبی ها، باقرزاده ها، معلم ها، شناسایی ها و ... شکنجه گران رژیم «ولایت فقیه» را به زانو در آوردند و در محراب شفیگان آزادی با مرگ پرافتخار خود پیام آور آزادی شدند. و این مختصر تنها قطره ای است در اقیانوس بی کران دلاوری، استواری و مبارزه اسطوره ای هزاران قهرمان توده ای که جان خود را فدای خلق و میهن کردند. یادشان گرامی و ابدی باد و راهشان پررهرو!

## رویدادهای جهان



### مانور مشترک در اردن

واحدهای منتخب اردنی و انگلیسی مانورهای نظامی مشترکی را در نیمه دوم شهریور ماه جاری برگزار کردند. سخنگوی سفارت انگلیس در عمان پایتخت اردن گفت که این تمرینات هیچگونه ربطی به برخوردی اخیر در شمال عراق و حملات هواپیماهای انگلیسی به مواضع عراق ندارد. «این یک تمرین از قبل برنامه ریزی شده است که هیچگونه ربطی به تحولات منطقه ندارد». سفارت انگلیس متذکر شد که گردان های هنگ کینگز که در قبرس مستقر هستند و نیروهای گارد مکانیزه اردن در این مانورها شرکت دارند. انجام این مانورها همزمان با بحران خطرناک منطقه خلیج فارس و کردستان عراق و نیز سرکوب تظاهرات اخیر مردم اردن در اعتراض به بالا بردن قیمت ارزاق عمومی نشان دهنده نقش افزایش یابنده امپریالیسم انگلیس در تحولات منطقه است.

### انتخابات در بوسنی

انتخابات بوسنی در ۲۴ شهریور برگزار شد. نتایج اعلام شده تا لحظه نگارش خبر حاکی از این است که سه کاندیدای منتخب مسلمان، صرب و کرووات برای شورای نوبتی ریاست جمهوری دارای نظرات ناسیونالیستی رادیکال می باشند و این از هم اکنون پروسه صلح دایتون را مورد خطر قرار داده است. قبل از

انتخابات کارل بیلدت نماینده اتحادیه اروپا در بوسنی گفته بود که خودداری ناسیونالیست ها از شرکت در قدرت بعد از انتخابات به معنای یک جنگ جدید است. او در یک کنفرانس مطبوعاتی از جمله گفت: «اگر ما قانون اساسی را که قرارداد صلح دایتون ۹۵ مقرر داشته است به مرحله اجرا نگذاریم هم ما و هم صلح باخته است».

وی یک برنامه زمانی مشخص برای ایجاد ساختارهای حکومتی مشترک مسلمان، صرب، کرووات، پس از انتخابات را برای متحد کردن بوسنی ارائه داد. کارل بیلدت متذکر شد که مناطق صرب، مسلمان و کرووات در تحت یک ساختار ریاست جمهوری چند ملیتی و مجلس نمایندگان از خودگردانی قابل توجهی برخوردار خواهند بود. وی: «بوسنی غیر متمرکزترین کشور موجود در جهان خواهد بود». مقامات رسمی گزارش داده اند که رقم غیر رسمی شرکت کنندگان در انتخابات ۷۰-۶۰ درصد تعداد صاحبان رای بوده است، لیکن تعداد پناهنده هایی که بر اساس طرح سازمان ملل برای رای دادن به مناطق زندگی خود برگشتند. تنها ۱۰٪ میزانی است که پیش بینی شده بود. سازمان ملل ترتیب ایجاد ۱۹ «جاده برای رای دهندگان» را داده بود که پناهندگان بتوانند به مناطق اصلی محل زندگی خود مسافرت کنند. حف فیشر نماینده سازمان امنیت و همکاری اروپا گفت که تایید و تصدیق روند و نتیجه انتخابات در عهده و جزو اختیارات این سازمان است و احزاب شرکت کننده حق تصمیم گیری در این باره را ندارند.

### هدف امپریالیسم تحکیم تسلط بر منطقه است

در هفته های اخیر، ماجراجویی نظامی جدید امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه با حملات موشکی به عراق در نوبت و تقویت نیروهای نظامی آمریکایی در خلیج فارس و منطقه ادامه یافت. اکنون دیگر جای تردیدی باقی نمانده است که امپریالیسم آمریکا به بهره جویی از بحران کردستان و زیر پوشش قطعنامه ۶۸۸ سازمان ملل عملاً به تقویت هرچه بیشتر مواضع و تثبیت هژمونی خود در منطقه خلیج فارس پرداخته است. ویلیام پری، وزیر دفاع آمریکا در توضیح دلایل حملات نظامی به عراق هدف اصلی را حفاظت از «منافع حیاتی» ایالات متحده و ادامه

جریان نفت از حوضه خلیج فارس دانست. این برهان دیگری بر این مدعاست که مسأله کردستان عراق و ماجراجویی های جمهوری اسلامی و رژیم صدام و نیروهای وابسته به آنها عملاً بهانه لازم برای طرح های امپریالیستی در منطقه را فراهم نمودند. علی رغم انتظار و تلاش ایالات متحده تعداد قابل توجهی از کشورهای غربی منجمله فرانسه و اسپانیا به مخالفت با اقدامات ایالات متحده برخاسته و آن را غیر قانونی می دانند. ترس از افکار عمومی، خلق های کشورهای منطقه ترکیه، اردن و عربستان سعودی را واداشته است که از همکاری آشکار با اقدامات نظامی ایالات متحده خودداری کنند. حتی کویت، تنها کشور منطقه که حاضر به استقرار هواپیماهای جنگنده فوق مدرن آمریکایی و ۵۰۰ نفر سرباز آمریکایی در خاک خود شد، دودلی و اضطراب خود را با تاخیر در اجرای تصمیم نشان داد. امپریالیسم انگلیس تنها متحد تمام عیار آمریکا در این ماجراجویی ها بوده است.

● ایالات متحده در ۲۵ شهریور ماه عملیاتی را برای تخلیه ۲۵۰۰ کرد عراقی از شمال عراق آغاز کرد. اکثر این تعداد شامل کسانی است که با نیروهای امنیتی کشورهای غربی همکاری می کردند. ایالات متحده آنها را ابتدا به ترکیه منتقل و پس از بررسی وضعیتشان جهت پناهندگی به ایالات متحده می فرستد.

● ویلیام پری، وزیر دفاع آمریکا با سفرهای پی در پی به کشورهای منطقه و نیز ملاقات با همتایان خود در کشورهای عضو ناتو سعی در جلب حمایت آنها برای ماجراجویی های جدید ایالات متحده کرد. در ۲۵ شهریور ماه بحرین موافقت کرد که پذیرای هواپیماهای جنگنده اف-۱۶ باشد. در ۲۶ شهریور ماه ویلیام پری در ملاقات با همتایان انگلیسی و فرانسوی خود، در یک پایگاه هوایی در نزدیکی لندن، آنها را در جریان مذاکرات خود در کشورهای خاورمیانه گذارد. او به کویت، عربستان، بحرین و ترکیه مسافرت کرده است. وی مذاکرات خود را «مشورت های سودمند» خواند.

## اتحادیه های کارگری انگلیس در دفاع از حقوق بشر در ایران

۱۲۸- مین کنفرانس سالانه TUC مجمع اتحادیه های کارگری انگلیس در روزهای ۱۹ تا ۲۳ شهریور ماه در شهر ساحلی بلاک پول برگزار شد. ۸۰۰ نماینده و فعال سندیکایی به نمایندگی از سوی ۷۳ اتحادیه کارگری و ۶۸۰۰۰۰ نفر اعضای آنها در کنفرانس شرکت کرده و در طول ۵ روز بحث و تبادل نظر سیاست های طبقه کارگر انگلیس را مورد ارزیابی قرار دادند. چندین هیأت نمایندگی از کشورهای ایالات متحده، آفریقای جنوبی، فرانسه، پرتغال و ایرلند در کنفرانس شرکت داشتند.

به دلیل قریب الوقوع بودن انتخابات پارلمانی انگلیس و احتمال پیروزی حزب کارگر- بحث های کنفرانس از نظر تأثیری که روی سیاست های این حزب می گذارد، اهمیت فراوان پیدا کرده بود و بسیاری از مطبوعات انگلیس بطور برجسته ای تصمیمات کنفرانس را منعکس می کردند. حزب کارگر انگلیس رابطه منحصر به فرد و ویژه ای با اتحادیه های کارگری دارد و تاریخاً به مثابه بازوی سیاسی جنبش سندیکایی انگلیس عمل می نموده است. در دو ساله اخیر رشد گرایش راست در حزب کارگر بحث های تندی را در جنبش اتحادیه های کارگری در مورد لزوم و نحوه ارتباط این جنبش با حزب کارگر دامن زده است.

تصویب قطعنامه هایی در مورد تعیین حداقل

حقوق از قرار ۴/۲۶ پوند در ساعت، استانداردهای حداقل در محیط کار، حقوق اشتغال، اشتغال کامل، جهانی شدن تولید نشانه پختگی و رشد جنبش سندیکایی انگلیس و انعکاس روحیه مبارز طبقه کارگر متشکل است. یک هیأت نمایندگی کمیته دفاع از حقوق مردم ایران در کنفرانس شرکت داشت و در جریان کنفرانس مسأله تحولات خاورمیانه و کارزار دفاع از حقوق مردم ایران را هم در بحث های رسمی و هم در تماس های متعددی که با رهبران فعالان سندیکایی داشت مطرح کرد. نمایندگان کمیته دفاع از حقوق مردم ایران، بخش نشریه ویژه ایران امروز در میان شرکت کنندگان در کنفرانس در ملاقات های رسمی با رهبران سندیکایی انگلیس لزوم برخورد جدی با مسأله نقض حقوق بشر در ایران و اتخاذ یک سیاست اصولی در راستای منافع طبقه کارگر ایران را مطرح کردند. گزارش شورای عمومی TUC شامل مبحث ویژه ای در مورد اقدامات این شورا در سال گذشته در رابطه با نقض حقوق سندیکایی در ایران بود. در بحث در مورد این بخش از گزارش آقای جومارنیو، دبیر کل اتحادیه کارگران خباز، مواد غذایی و اصناف در سخنرانی خود در کنفرانس ضمن اظهار رضایت از اقدامات انجام شده به کار کودکان خردسال در ایران اشاره کرده خواستار توجه ویژه به آن شد. آقای جومارنیو با

اشاره ای شعرگونه به رنج و سختی محیط کار برای دختران خردسال که در کارگاه های قالببافی کار می کنند فعالان اتحادیه های کارگری را فراخواند که هر گاه به مناظره و تشویق قالی دست باف ایرانی نشستند به یاد داشته باشند که رنگ آن از خون دستان دختران بافنده است. او هم چنین به بحران کنونی در کردستان عراق و مشکلات عدیده ای که مردم زحمتکش کردستان به دلیل هجوم جنایت کارانه رژیم های دیکتاتوری صدام و جمهوری اسلامی و ترکیه ناتویی با آن مواجه هستند اشاره کرد و خواستار توجه و عمل عاجل شورای عمومی TUC شد.

● از گزارش شورای عمومی «شورای عمومی به کارزار خود علیه نقض حقوق بشر در ایران، مخصوصاً تبعیض علیه زنان، ادامه داد. نمایندگان کنگره اتحادیه های کارگری در کنفرانس سازمان جهانی کار که در ماه ژوئن در جریان بود نمایندگان دولت ایران را در مورد رعایت کنوانسیون ۱۱۱ در مورد تبعیض در اشتغال زیر فشار گذاشتند. کنفرانس سازمان جهانی کار یک پاراگراف مخصوص علیه تبعیضات اعمال شده از سوی دولت ایران بر ضد جوامع مذهبی غیر مسلمان و علیه عدم برابری زنان در جامعه اختصاص داد. دولت ایران از قبول بازدید یک هیأت سازمان جهانی کار از ایران به منظور مطالعه اوضاع از نزدیک، سرباز زده است».

## «نامه مردم» در جشن پرشکوه «اومانیته»

مراسم، باشکوه جشن «اومانیته» ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه طبق معمول هرساله در هفته دوم سپتامبر (۱۳ تا ۱۵) برگزار شد. در این سه روز صدها هزار نفر از غرفه های بسیاری که توسط احزاب و سازمان های کمونیستی و مترقی برپا شده بود بازدید به عمل آوردند. تعداد غرفه ها به اندازه ای زیاد بود که اغلب بازدید کنندگان موفق به تماشای اکثر غرفه ها نمی شدند. مراسم هنری در گوشه و کنار محوطه وسیع جشن (دهکده بین المللی) بی وقفه به اجرا در می آمد و هر بیننده را به خود جلب می کرد. غرفه «نامه مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران مورد بازدید هزاران شرکت کننده قرار گرفت. بازدید کنندگان مراتب همدردی خود را با زندانیان سیاسی ابراز می کردند و از فداکاری ها و ایثار حزب توده ایران در مبارزه پیگیر و بی امان در راه صلح و آزادی و عدالت اجتماعی تجلیل به عمل می آوردند. (میز کتاب غرفه حزب یکی از جالب ترین میزهای کتاب احزاب شرکت کننده در جشن بود که مورد توجه بازدید کنندگان قرار گرفت). در طی جشن نمایندگان حزب توده ایران با نمایندگان احزاب و سازمان های کمونیستی مختلف مخصوصاً با نمایندگان احزاب کمونیست کوبا، حزب کمونیست خلق های اسپانیا، آلمان، عراق، هند و فرانسه در محیطی بسیار رفیقانه و صمیمانه به بحث و تبادل نظر درباره اوضاع ایران و منطقه پرداختند. نمایندگان همه این احزاب مبارزات خستگی ناپذیر حزب توده ایران را در طول مدت پنجاه و پنج سال می ستودند و بر ادامه روابط نزدیک تر و گسترده تر تاکید می کردند. نمایندگان حزب ما نیز با اظهار امتنان متقابلاً خواستار چنین روابط صمیمانه ای شدند.

## آغاز سال تحصیلی جدید و آموزش و پرورش

### در رژیم «ولایت فقیه» مقاله رسیده از ایران

با به صدا درآمدن زنگ مدارس در روز هفدهم شهریور، بیش از ۱۸ میلیون کودک و جوان ایرانی تلاش برای فراگیری علم و دانش را در شرایط دشوار و مملو از محرومیت و در شرایط ادامه حاکمیت عناصر دانش ستیز از سر گرفتند. هفده سال از پیروزی انقلاب بهمن، چهارده سال از تسلط حاکمیت «حزب الله»، هفت سال از پایان جنگ، شش سال از شروع برنامه اول «توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی» و شش ماه از شروع برنامه دوم می گذرد. علی رغم شعارهای بلا انقطاع رهبران و مسؤولان حکومتی از قریب الوقوع بودن دستیابی به «عدالت و قسط اسلامی» و حل مشکلات متعدد مبتلا به جامعه، سیاست های رژیم به شکلی قانونمند به باز تولید فقر و اراند اکثریت قاطع زحمتکش کشور به سمت محرومیت بیشتر عمل می کند و بخش های وسیعی از جامعه را از دست یابی به امکانات برای تأمین یک زندگی ساده و حداقل محروم کرده است. تبلور این سیاست ها را می توان در عرصه های مختلف، از جمله و خصوصاً در عرصه آموزش و پرورش مشاهده کرد.

با پیروزی انقلاب بهمن و پایان حکومت وابسته و منفور شاهنشاهی، ایجاد تغییرات بنیادین در سیستم آموزشی یکی از خواست های اساسی زحمتکش و نیروهای مترقی و پیشرو جامعه، از جمله حزب توده ایران بود. در اثر فعالیت و مبارزه نیروهای مترقی خواست ایجاد یک سیستم آموزش سراسری، دولتی و رایگان در قانون اساسی کشور انعکاس یافت و دولت موظف به انجام آن شد. اصل ۳۰ قانون اساسی متذکر می شود: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره دوم متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». ولی با یورش متحجران حاکم به مراکز آموزشی کشور برای پاکسازی عناصر انقلابی و برجسته از این مراکز خیلی زود روشن شد که هدف عمده رژیم از نظارت کامل بر مراکز آموزشی کشور برای کنترل و جهت دادن به طرز تفکر نسل جوان کشور است.

#### • ایجاد ارگان های سرکوب در مراکز آموزشی

در حالی که در سال های اخیر امکانات و بودجه آموزشی کشور روند نزولی را پیموده است، رژیم بودجه هنگفتی برای ایجاد ارگان های تفتیش عقاید در مراکز آموزشی کشور اختصاص داده است. رژیم با ایجاد مراکز امور تربیتی در مدارس، و افزایش روز افزون تعداد مربیان تربیتی تلاش می کند تا یک شبکه امنیتی سراسری را در مدارس کشور سازماندهی کند. از جمله برنامه های رژیم در این زمینه ایجاد تشکلی به نام «پویندگان»، از میان فرزندان بسیجی ها، پاسداران و خانواده شهدا است که حدود ۳۰۰۰۰۰ دانش آموز را در صفوف خود گردآورده است. تشکل پویندگان در اردوگاه های تابستانی که از سوی رژیم سازمان دهی می شود سیاست تفتیش عقاید و مقابله با مخالفان رژیم را آموزش می بینند. بسیج نیز با ثبت نام دانش آموزان مذهبی، متعصب و وابستگان حزب الهی در سال های اخیر در جهت تشکیل یک سازمان دانش آموزی کوشیده است که در رأس آن نجفی وزیر آموزش و پرورش و افشار فرمانده نیروی مقاومت بسیج قرار دارند. در ۱۲ آذر ماه سال گذشته، مجلس شورای اسلامی کلیات طرحی را تصویب کرد که بر اساس آن طرح تشکیل و توسعه بسیج دانش آموزی به حد وظیفه دولتی ارتقاء داده شد و تشکیل آنها جنبه رسمی گرفت. نجفی وزیر آموزش و پرورش در مصاحبه با روزنامه ابرار به روشنی اعتراف کرد که در حال حاضر «۴۰۰ پایگاه فعال بسیجی در ساختار آموزش و پرورش سراسر کشور فعالیت دارد». افشار فرمانده نیروی مقاومت بسیج نیز مدعی شد که بیش از دو میلیون دانش آموز بسیجی سرمایه ای با ارزش و مطمئن برای حفظ «نظام» هستند. تخصیص مخارج هنگفت و این چنین سرمایه گذاری ها در شرایطی انجام می گیرد که رژیم از سرمایه گذاری برای بهبود کیفیت وضعیت آموزشی کشور، از جمله تأمین یک زندگی آبرومند برای نیروی انسانی آموزش و پرورش خودداری کرده است. هم اکنون بیش از ۵۰۰۰۰ معلم حق التدریسی که اکثر آنها در نقاط دور افتاده و بد آب و هوا کار می کنند و زندگی معلمان، علی رغم فداکاری و مسؤلیت بزرگی که بردوش آنان است، چیزی جز تحمل مشقات و محرومیت نیست.

ادامه در ص ۶

## بیانیه همبستگی با زندانیان سیاسی و مبارزات مردم ایران

### ما خواستار رعایت حقوق بشر در ایران هستیم

هر سال تعداد زیادی از فعالین اپوزیسیون ایران کشته می شوند. طبق اعلام سازمان های حقوق بشر هزاران زندانی سیاسی از رهبران سازمان ها، نویسندگان، هنرمندان، کارگران، دانش آموزان... در دادگاه هایی که از استانداردهای شناخته شده بین المللی بغایت دور هستند محاکمه و محکوم می شوند. ما امضاء کنندگان از دبیر کل سازمان ملل متحد تقاضا می کنیم که رژیم جمهوری اسلامی را وادار به پذیرش مفاد زیر کنند:

- اعلام اسامی کشته شدگان در کشتار جمعی در سال ۱۹۸۸ با تاریخ تشکیل دادگاه و جرایم آنان. - اعلام اسامی زندانیان سیاسی موجود و اتهام آنان. - لغو حکم مرگ. - آزادی همه زندانیان سیاسی.  
حزب کمونیست خلق های اسپانیا - حزب کمونیست ویتنام - حزب کمونیست هند - حزب کمونیست عراق - حزب کمونیست اسپانیا - حزب کمونیست یونان - حزب کارگری مجارستان - حزب کمونیست پرو - حزب کمونیست شیلی - حزب کمونیست لبنان - حزب کمونیست آلمان - حزب مردم فلسطین - حزب کمونیست چک - حزب مارکیست آنگولا - حزب کمونیست بولیوی - حزب کمونیست پرتغال

24 September 1996

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

### حساب بانکی ما:

نام  
شماره حساب  
کد بانک  
بانک  
IRAN e. V.  
790020580  
10050000  
Berliner Sparkasse

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.  
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
NAMEH MARDOM-NO:489  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran  
http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm